

به شهادت تاریخ و وجدان، گسترش اسلام، پیش و پیش از آن که نتیجه راه‌های رسمی و شناخته شده مانند فتوحات باشد، معمول جذابیت‌های معنوی نهفته در آن است. گواه آن که شمار قابل توجهی از علاقه‌مندان به اسلام از فرهیختگانی هستند که پس از پیروان راه‌های دشوار پژوهش پویایی و صداقت، سرانجام در منزل اسلام بار افکنده‌اند. این مقاله، پس از مقدمه‌ای کوتاه در این باره، سوار روی از این جذابیت‌ها را در سیوه و گفتار برخی از این گروندگان بررسی می‌شمارد.

دکتر سید مصطفی محقق داماد

برای گسترش اسلام و نفوذ آن در جوامع مختلفه علی‌رغم وجود اختلاف و گونه‌گونی زمان‌ها و مکان‌ها می‌گمان می‌توان عصری مشترک یافته، عنصر مشترک در نفوذ و گسترش حیرت آور اسلام در سرزمین‌های پهناور، آن هم در فاصله زمانی بسیار کوتاه به گواهی اسناد و منابع معتبر تاریخی، چیزی جز تأمین و فراهم ساختن همگامی‌ترین خواست‌های قلوب سلیم بشری نیست.

اگر برای اثبات این مدعا، در خصوص وقایع قرون اولیه اسلامی، به ارائه شواهد و اسناد کهن نیازمند باشم، چه برای فهم گرایش‌های اجتماعی و متفکران بزرگ قرون معاصر که در گوشه و کنار دنیا در کمال آزادی یا مطالعه و مقایسه، به تعالیم ادیان مختلفه به دین اسلام گرویده و در مقابل فشارهای سیاسی و هجوم تبلیغ‌گویی‌های همکیش، مان پیشین خود با قامتی استوار ایستاده و انگیزه خود را از راه‌های اسلامی اعلام داشته‌اند، راه

چندان دور و درازی را نباید بیماییم. اگر برای تحقیق در باره کیفیت و انگیزه گسترش اسلام در ایران، روم، هند و شرقی دور در قرون اولیه و گذشته بیش از هزار سال پیش احتمالاً دچار چون و چرا باشیم و یا با مدتی مواجه شویم، خوشبختانه جمال چهره هزاران متفکر معاصر شرقی و غربی گرویده به دین اسلام برای اثبات جذابیت اسلام، حجت موجه مااست.

حدود چهار قرن است که مسیحیت، اعم از کلیسای کاتولیک و سایر شعب مسیحیت، دارای سازمان تبلیغاتی مستقل، متشکل و منظم است. همه ساله گروهی از کشیشان را با سیاست‌های از پیش تعیین شده آموزش می‌دهند و با صرف هزینه‌های بسیار سنگین، به اقصی نقاط جهان به مأموریت تبلیغاتی اعزام می‌کنند. سازمان تبلیغات وابسته به مسیحیت از حمایت دولت‌های بزرگ مسیحی برخوردار است و اگر موفق شوند کسی را به آیین مسیحیت در آورند، همه گونه تسهیلات مادی برای او فراهم می‌سازند. با وجود این بنا بر تحقیقات خود اروپاییان، تقریباً پیشرفت مسیحیت متوقف شده است و تبلیغات کشیشان، حتی در سر زمین‌های پر رونق پیشین، مانند برخی از کشورهای آفریقایی نیز دیگر تأثیر چندانی در رواج مسیحیت ندارد. در کتاب «دایره المعارف مسیحیت» که در دو جلد چاپ شده است صریحاً آمده است که هم اکنون ۲۷۰۰۰۰۰۰ نفر کاتولیک در ایتالیا به زبان‌های مختلف مشغول تبلیغ مسیحیت هستند و این بار هم گریز از مسیحیت لاهری مسلم است.

در حالی که علی‌رغم مجهز نبودن مسلمانان به سازمان تبلیغاتی متشکلی

هستندارگان‌های تبلیغاتی مسیحیان و فغذیل اعتبارات و امکانات مالی، اسلام همچنان به پیشرفت خود حتی در سنتی‌ترین کشورهای جهان ادامه می‌دهد و روز به روز بر اعتلا و کثرت آنان افزوده می‌شود تا آن جا که قدرت‌های بزرگ مسیحی را به شگفتی همراه با تکرانی و دانسته است.

راز گسترش

این پرسشی است که در درجه نخست برای خود مسیحیان مطرح شده است. موجب خوشبختی است که در میان اقنوه گرویدگان به اسلام دانه‌های درشت، چهره‌های ناباک علم و ادب و متفکران نامدار صاحب قلم به یاریند که در آثار مکتوبشان پاسخ این پرسش را به سراحت داده‌اند.

آن چه این نوشته در صدد بیان آن است همان چیزهایی است که در نوشته‌های متفکرانی که با مطالعه به اسلام گرویده‌اند آمده است و من می‌گویم آن‌ها را با استناد بیان کنم. مطالعه آثار متفکران گرویده به اسلام نشان می‌دهد که برای انسان عناصر

جذاب در اسلام، مختلف و گونه‌گون است. ولی چند نکته در اغلب آثار آنان مشترک است. مثلاً اغلب از سادگی اصول اسلام و آسازاری این اصول با عقل و منطق سخن می‌گویند. برخی نیز به عدالت و مساوات اسلامی اشاره می‌کنند. سرگذشت برخی از اینان، که در سرزمین خود هیچ کم نداشتند، باز هم به مسلمانی روی آورنده شگفت‌انگیز است. برای نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

کنت دو بنوال

کلسود الکسبندر کنت دو بنوال (Claude Alexandre comte de Bonneval) به سال ۱۶۷۵ در یکی از توابع شهرستان لیورن فرانسه به دنیا آمد. در نوجوانی به نیروی دریایی فرانسه پیوست و در ۲۶ سالگی (۱۷۰۱ میلادی)، با درجه سرهنگی به گارده سلطنتی ارتقا یافت. ولی به علت درشت‌گویی به منسوبه لویی چهاردهم، منضوب شد. در

کنت دو بنوال

کنت دو بنوال

کنت دو بنوال

کنت دو بنوال

کنت دو بنوال

کنت دو بنوال

نتیجه از خدمت به فرانسه چشم پوشید و به ارتش اتریش پیوست. در مدت ۲۲ سال اقامت در اتریش، در جنگ‌های متعدد شرکت جست و به درجه ژنرال رسید. اما در آن جا هم منضوب و زندانی شد. پس از آزادی از زندان در سال ۱۷۲۹ به ترکیه عثمانی پناهنده شد و اسلام آورد و نام احمد بر خود نهاد.

وقعه مسلمان شدن کنت دو بنوال و پیوستن او به ارتش ترکیه در دنیای مسیحیت آن روز گلزار تاب نامطلوبی داشت و مسیحیان معتقد را از کنت و ژنرال پیشین متفر کرد. از این رو دستان‌های بسیار دربار لودویج داندن و اسلام آوردن او را مصلحتی و برای انتقام گرفتن از کسانی که موجب طرد او از اتریش شده بود دانستند. اما گروهی از آزاداندیشان این گونه توجیحات را نپذیرفتند و در پی کشف علت واقعی مسلمان شدن کنت برآمدند. یکی از آنان ولتر بود که از دیرباز به تحقیق در باره

دلبران

جذابیت‌های اسلام از دیدگاه برخی متفکران گرونده به اسلام



اسلام پرداخته بود و اینکه پس از سال‌ها چنانچه حق پیامبر، و به دنبال مطالباتی دیگر در مستندترین نوشته‌های روزگار خود گرایش نسبت به اسلام در لو پدید آمده بود (۱) از این رو بسیار مایل بود که بفاند چه انگیزه‌ای کنت را به اسلام و مصلحتی راه نموده است.

ولتر وقتی نوشته‌های کنت را پس از مرگش دید در جواب شوالیه چنین نوشته است: «منمطمئنم در این محمد (ص) چه چیزی وجود دارد که اعجاب همه را برمی‌انگیزد» (۲).

نوشته بنوال در ولتر تأثیر بسیار نهاده است. از همین تاریخ بود که ولتر در دلوری خود در باره پیامبر اسلام (ص) تجدید نظر کرد و به دفاع از آیین او پرداخته دلایلی که ولتر برای اثبات برتری اسلام نسبت به مسیحیت قلمه کرد نیز همان دلایلی بود که کنت دو بنوال در خاطرات خود به آنها استناد چسته بوده از جمله این که «محمد (ص) آیین خداپرستی را به جهان آموخته زکات و کمک به مسخوع را واجب دانسته قمار و شراب و دیگر اسباب لهو و لعب را تحریم کرده آیینش همان آیین ابراهیم حنیف است که همیشه وجود داشته است و ولی یهودیان آن را تحریف کرده اند» (۳).

بدین گونه رابی که بنوال برگزید و دلایلی که برای گردیدن خود به اسلام قلمه کرده، تنها موجب جلب چند تن دیگر از فرانسویان و گرایش آنان به اسلام شد، بلکه یکی از بزرگترین نویسندگان قرن هجدهم یعنی ولتر را نیز تحت تأثیر قرار داد و عقاید او را در باره حقیقت اسلام دگرگون کرد. ما در ذیل به نحوه گرایش خود ولتر خواهیم پرداخت (۴).

ولتر

شاید کمتر کسی از اشرافان با ادبیات جهانی است که نام ولتر (۵) را ندیده باشد. زندگی این فیلسوف فرانسوی تحولات عظیمی به خود دیده است. در قسمتی از عمرش یعنی از حدود سال‌های ۱۷۰۵ تا ۱۷۲۲ میلادی که وی دوران دبیرستان را در دبیرستان لویی کبیر (Louis La Grand) می‌گذراند، از اسلام به طور سطحی اطلاعاتی به گوشتش رسید و به علت یافتن احساسی منفی، در تألیف نمایشنامه زشت و ناروای خرافات فانتیسم) به گونهای از پیامبر اسلام (ص) نام برد که حتی پیروان سایر ادیان را نیز به خشم آورد (۶).

انتقادات او از اسلام تا آن جا شهرت یافت که نویسنده گان زیادی وی را «دشمن محمد» عنوان دادند (۷). ولتر به افتخار بسند نکرد و در پی آن شد که از گسترش اسلام و پیشرفت عظیم مسلمانان را در پند، وی در مطلع بعد یعنی در سال‌های ۱۷۳۲ تا ۱۷۶۳ به بعد به مطالعه و تحقیق در این باب پرداخت و با پشتکاری عجیب منابع و آثار مربوط به تمدن ملل شرقی را بررسی کرد، و نتیجه آن شد که آثار این متمدن از زندگی او، همه بی‌انگهی و پختگی او است و گویا می‌دهد که در باب گسترش اسلام و تحول معتقدات مسلمانان و نیز ریشه برخی آداب و سنن اسلامی به افکار صیق دست یافته و واقفیت‌اندک کرده است. در مقدمه چاپ جدید نمایشنامه فانتیسم (۱۷۴۸ م) او دیگر ولتر سابق نیست و مطالبی را آورده است که به هیچ وجه به آثار پیشین او شباهت ندارد. نگارش او نسبت به اسلام با تحول رویور شده است و دیگر پیامبر اسلام (ص) را جاهل و دروغزن نمی‌نامد، بلکه با اعجاب تمام سردی می‌داند که «بزرگترین انقلاب روی زمین را پدید آورده است» (۸). ولتر این جمله را در مقدمه می‌نویسد که هنوز صراحتاً به اسلام نگرییده و گویی هنوز در حال تحقیق و بررسی و تلاش برای رسیدن به حقیقت است. سرانجام به ستایش صریح

و دفاع از اصول عقاید مسلمانان می‌پردازد. ستایش وی از اسلام در اثری تحت عنوان «گورستان خرافات» (La tombe du fanatisme) و نیز «شرعیات مردی شریف» (a catechisme del' honnête homme) تأیید حمله لاج می‌کرد.

در اواخر عمر (۱۷۷۲ م) ولتر کتابی تألیف کرد که عنوان آن چنین است: «سرانجام باید به سوی گرایید» منظور این است که سرانجام باید دینی از میان ادیان را برگزید، وی در این کتاب آشکارا اسلام را از همه ادیان روی زمین برتر می‌داند.

آثار اخیر ولتر کاملاً گویای می‌دهد که آن چه وی را به اسلام جذب کرده دو چیز است: ۱- نقد معارف اسلامی؛ ولتر توحید را که نخستین اصل از اصول اعتقادی اسلام است، ستایش می‌کند و از خدای مسیحیت که با تناقض همراه است، بیزار می‌گردد. ولتر چنان تحت تأثیر تعلیمات قرآن در باره توحید قرار گرفته که در آثارش خداوند را با همان تعبیرات مسوره توحید ستوده است: «هو قائم بالذات است، هیچ کس به او هستی بخشیده ولی همه هستی خود را از او دارند. هرگز زاییده و هرگز زاییده نشده است. در سراسر کائنات بسان لوثتوان یافت» (۹). ولتر در آثارش به اعتقاد به قیامت نیز شهادت می‌دهد و معتقد است که اعتقاد به وجود خدا مستلزم اعتقاد به روز جزاست (۱۰).

ب- شریعت اسلامی؛ از نظر ولتر، شریعت اسلامی که تعلیم دهنده «همزیستی مذهبی» و «تسامح دینی» است نشانه خجالت آن است. وی در کتاب «چاپد به سوی گرایید» اسلام را ادینی معقول و جدی و پاک و دوستدار بشریت می‌داند و می‌گوید: «این‌ها نشانه حقیقت اسلام است، فطرت همزیستی مذهبی» را نیز به آن بیفزاید» (۱۱).

بولن ویلی

یکی دیگر از اشراف نامدار فرانسوی که در قرن هجدهم به اسلام روی آورد، «هاتری کنت دیولون ویلی» است. او آثار زیادی از خود به جای گذاشته و در آخرین اثرش با نام «زندگی محمد» چنان از شخصیت پیامبر (ص) دفاع کرده که حساسیت بسیاری از مسیحیان را فراهم ساخته است. نوشته وی در زمان حیاتش چاپ نشد. هفت سال پس از مرگ وی در سال ۱۷۲۹ یکی از ناشران انگلیسی به نام «ژن گنی» استاد زبان عربی در دانشگاه آکسفورد که از حرمت و اعتبار فراوان برخوردار بود، پیشنهاد کرد که نوشته‌های «بولن ویلی» را ویرایش و برای چاپ آماده کند. «کتابی» در نامهای از او خواست که دست‌نوشته‌ها را برای او بفرستد و قول داد که چنانچه محتوای آن را معیار با «دین مبین مسیح» نیابد، به ویراستاری و رفع کاستی‌های آن همت گمارد. ناشر که از نامه او به طرز تفکر «کلی» پی برده بود، سال بعد بدون مشورت با وی کتاب را به چاپ رساند. گنی به یادیدن کتاب سخت برآشت و افسوس خورد که چرا نتوانسته است «این دیومالغوی» (کتاب بولن ویلی) را در نطفه خفه کند و او را بگراست به دوزخ بفرستد.

سپس به منظور نقد کتاب بولن ویلی، کتابی که خودش به زبان لاتینی در باره پیامبر اسلام نوشته بود به فرانسه ترجمه کرده مقدمه مفصلی بر آن افزود و در سراسر آن با استناد به روایات مجعول و یا تحریف شده کوشید تاوری‌های بولن ویلی را به تکذیب کند (۱۲). بولن ویلی به در کتاب خود چه آورده بود که این چنین احساسات مذهبی گندی به استاد نامدار دانشگاه آکسفورد را برانگیخت؟ پاسخ این است که «بولن ویلی» علی‌رغم فشار قبیوخی از تبلیغات علیه پیامبر اسلام (ص)

در مجامع غربی، به صراحت نوشته است: «محمد (ص) قانون گذاری بزرگ و خردمند بود که دینی مذهب برای جهانگشایان به ارمان آورد. خداوند که بر همه چیز آگاه است، او را فرستاد تا مسیحیان گمراه را متنبه گرداند. پنهان را خرد کند، ابرئیمان خورشید پرست را مطیع سازد و آیین خدائشمنی را از دیوارهای چین تا سواحل اسپانیا بگستراند» (۱۳).

او در جای دیگر نوشته است: «بنابر این، مشیت الهی بود که پیامبر اسلام را به کاری چنین سترگ برانگیخت و آن چه مبلغان متعصب مسیحی در باره او گفته‌اند افسانه‌های داستان پندارناپذیر جوس میخی و این عالم یهودی، چگونه ممکن است محمد (ص) در طول بیست و سه سال رسالت خود و در شرایط مختلف تبیین و هجرت و جنگ و پیروزی و شکست، همواره یک راهب مسیحی «خان» و یا یک خاخام یهودی «خان» تر از او را همراه داشته باشد تا بتواند با آنان مشورت کند و چگونه می‌توان نظام فکری عمیق و اصیل اسلامی را که از خدائشمنی واقعی و از فطرت انسان برخاسته است، نتیجه مشورت با چنین کسانی حقیقتاً تحقق آن چه محمد (ص) انجام داد تنها در سایه نبوغ عظیم و فوق بشری که خداوند به او عطا فرموده بود، میسر شد. محمد (ص) سچاپایی عالی و فصاحتی فوق بشری داشت. چنان که می‌توانست ناملن‌ترین و خردمندترین مردم روزگار خود را به آسانی متقاعد سازد و به دین اسلام معتقد گرداند» (۱۴). «آیین او چنان بر فطرت انسان منطبق است که برای تبلیغ آن هیچ نیازی به جبر و قهر نیست. کافی است اصول آن را به مردم بفهمانند تا همه به آن بگرایند. از این رو اسلام در مدتی کمتر از ۴۰ سال در قلب نهی مردم روی زمین جای گرفت» (۱۵).

هاتری کریبن

در زمان خود ما شاعران پروفیسور «هاتری کریبن» شیفته معارف اسلامی به روایت شیعی می‌شود و برای دریافت معارف اهل بیت (ع) به ایران می‌آید و مدت مدیدی به منظور فراگیری این معارف از سرچشمه اصلی آن در ایران می‌ماند. وی گزید و از محضر عالمان بزرگ شیعی از جمله علامه طباطبایی کسب فیض می‌کند. او عاشق معارف اهل بیت (ع) است و این واقعت در آثار مختلف وی مشهود است. در اثر گرانگش «در باره اسلام ایرانی» (۱۶) در ۴ مجلد می‌خواهد بگوید ایرانیان قرأت خاصی از اسلام دارند که همان قرأت شیعی است. مهم ترین کاری که کریبن کرد معرفی معنویت تشیع به جهان عرب بود. پیش از او تشیع را یک مذهب سیاسی و یا به تعبیر دیگر نهضت سیاسی اجتماعی محض می‌دانستند و به معنویت تشیع توجهی نداشتند. او معتقد بود اگر ما تشیع را فقط به جنبه‌های سیاسی و اجتماعی محدود کنیم، در شناخت آن دچار اشتباهی بزرگ شده ایم. می‌گوید «اولین و آخرین توجیه و تبیین تشیع، آگاهی و شعوری است که تشیع از خود، از جهان، از انسان، از معنای حقیقی وحی، از امام و از مبدأ و از معاد دارد» (۱۷).

به نظر کریبن تعالیم (مذاهب) منشأ ناملات فلسفی قرار گرفته و فلسفه و چه طور کلی علوم عقلی اسلامی، نشأت گرفته از تعالیم آن بزرگواران است. در حالی که مستشرقان سعی کرده‌اند تا حیات عقلی اسلامی را برگرفته از یونان معرفی کنند. آن چه کریبن را مجذوب ساخته بود تنها و تنها معارف اهل بیت (ع) است. وی به صراحت در باره اقامتتش در ایران می‌نویسد: «من یک پژوهشگرم، یک زائریم، یک مسافریم، یک

باز دید بکنده مفتون، مفتون عرفان شیعی، عرفای بزرگ شیعه من زیبایی این بار گاه جلال را نشان می‌دهم» (۱۸). مرحوم استاد آیت الله حاج شیخ مرتضی حایری اعلی الله مقامه نقل فرمودند که از مرحوم علامه طباطبایی پرسیدم که هاتری کریبن با چه معتقداتی از دنیا رفت؟ گفت: به نظر من او یک شیعه واقعی و پیرو اهل بیت (ع) و مؤمن به تمام معارف خاندان پیامبر بود که دل‌رقایی را وداع کرد.

کوپر

در این جا به تجربه شخصی در زندگی خود اشاره می‌کنم. به خاطر درم در مسائل های ۱۳۲۰ بود که مرحوم استاد شهید مطهری با من در قم تماس گرفتند و کوپر را به من معرفی کردند. او از لندن آمده و مدتی در دانشگاه چندی شاپور تدریس کرده بود. علاقه‌مند به آشنایی با معارف اسلامی به خصوص علوم عقلی اسلامی بود. فارسی نمی‌دانست. به پیشنهاد شهید مطهری قرار شد سلسله مباحثی را برای او مطرح کنیم. آن بزرگوار از طریق مطالعه مسلمان شده بود و به هیچ وجه تقاضای این امر نمی‌کرد. گاه که در اتاق تنها بود، بسیار نماز می‌خواند و بعدها به من گفت که نمازهای دوران گذشته را قضا می‌کند. عشق معارف اسلامی بود. در حالی که تمام خانواده اش مسیحی بودند. او یک مسلمان واقعی و شیعه اهل بیت بود. خدایش رحمت کند.

اینک وقت آن است بگویم که این همه مواهب و لشتیاقی‌ها و تب و تاب‌ها نمره وجود روحانی پیامبر اسلام (ص) استنای رسول گرامی اسلامی پیامبر رحمت‌های خسرو عالم! خسروا گوی فلک در خم چو گلن تو باد. ساخت کون و مکان عرصه میدان تو باد. خدا تو را به عظمت نگذارد و مرام تو را تا ابد مستدام بدارد. احوالذی ارسل رسوله یا مهدی. و دین الحق لیظهره علی الدین کله» (۱۹).

پانویس‌ها

۱. تذکره جواد حمیدی اسلام از نظر ولتر، چاپ پنج، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۴-۲۱۱.
۲. تذکره هو، همان.
۳. همان، ص ۱۱۰.
۴. دکتر جواد حمیدی، معاصران پیامبر در حیات علمی تاریخ اسلام، طبع رسول و رحمت و صلوات حق تعالی کند. آن عزیز برای محقق در این منظور، مجموعه عقلی مکاتبات بنوال تحت شماره‌های ۵۱۰۴، ۵۱۰۵، ۵۱۰۶، ۱۲۰۹۰، ۱۲۰۹۱ در کتابخانه ملی پاریس را بررسی و در احوال اهل بیت زودتر، قرار داد. نتیجه من آن بودم بخشی از فرآورده‌های ایشان بود.
۵. شارل سوارسی آرته مشهور به ولتر (Voltaire) (۱۶۹۴-۱۷۷۸) (۱۶۹۴-۱۷۷۸) فرانسوی، یکی از بزرگ ترین شخصیت‌های فرانسه در قرن هجدهم (فرهنگ معین).
۶. نمایشنامه فانتیسم در سال ۱۷۳۹ با عنوان «Mohamet ou le fanatisme» به نمایش گذارده می‌شود و در همان آغاز خشم همه حتی پاپ را برانگیخته.
۷. حمیدی، دکتر جواد صفات ولتر در ستایش از امام مطهر، در مجموعه مقالات «مهریون حقیقت» نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۰.
۸. کلیات فخری، در حوزه ج ۲، ص ۵۵۵، نقل از حمیدی.
۹. در کرور فرانس، آوریل سال ۱۲۲۵ (به نقل از همان).
۱۰. کلیات ج ۲، ص ۲۲۶، نقل از حمیدی.
۱۱. کلیات ج ۲، ص ۵۵۵، نقل از حمیدی.
۱۲. حمیدی، همان، ص ۱۲.
۱۳. Boulainvilliers, Henri comte de... La vie de Mahomet, Amsterdam, 1731, p.177.
۱۴. همان، ص ۱۶۲.
۱۵. همان، ص ۱۴۴.
۱۶. En Islam Iranien ۱۹۷۵. این اثر گرانگش با وجود آن که به زبان های مختلف از جمله عربی ترجمه شده است، ولی لاکنون به زبان فارسی ترجمه نشده این کتاب خوشبختانه هم اکنون توسط انجمن حکمت و فلسفه ایران در دست ترجمه است.
۱۷. از اثر شرقی، کرد آوری و تدوین دهرلم و گوی، ص ۶.
۱۸. یادداشت‌های هاتری کریبن، ص ۱۲۸.
۱۹. توبه ۲۲، فتح ۲۸، ص ۹۰.

